

بسم الله الرحمن الرحيم

هفتادومین سالگرد مصیبت (تأسیس دولت یهود) و توطئه‌های جدید!



(ترجمه)

طی هفتاد سال گذشته توطئه‌های متعددی برای تحکیم موجودیت یهود، فریب و انحراف امت از هدف عالی آن، که همانا آزادسازی فلسطین و رهانیدن آن از چنگال یهود است، به وقوع پیوسته که بارزترین این توطئه‌ها به اختصار بیان می‌گردد:

1- حکومت‌داران مسلمان طی سال‌های متمادی از زمان غصب فلسطین توسط انگلیس و یهود به انحراف و جلوگیری مسلمانان از آزادی فلسطین برخواسته و حرکات جهادی را در داخل فلسطین از همان ابتدای امر فریب دادند و طوری وانمود ساختند که گویا این حکومت‌داران می‌خواهند فلسطین را آزاد سازند. بناءً این حکام انتظار داشتند تا مسلمانان امور و قیادت عساکر عربی را مشترکاً به دست این حکام داده و سلاح‌های‌شان را نیز به آنان بسپارند که چنین شد و هم‌زمان با ایجاد قیادت مشترک عربی، فلسطین در سال 48 توسط این حکام تسلیم یهود گردید؛ سپس فضاخت و رسوائی سال 67 به وقوع پیوسته و باقی مانده فلسطین به شمول مسجد مبارک الاقصی نیز تسلیم یهود شد.

2- در کنفرانس اضطراری سران عرب، که در سال 1946م در اسکندریه مصر برگزار شد، دولت‌های عربی بر عربیت قضیه فلسطین تأکید نموده و این قضیه را قلب قضایای اساسی کشورهای عربی دانستند و تأکید ورزیدند که سرنوشت فلسطین متعلق به سرنوشت همه دولت‌های عربی بوده و ضربه بر پیکر فلسطین، ضربه بر پیکر همه ملت‌های عربی است و به این ترتیب قضیه فلسطین به اساس قطعنامه دولت‌های عربی در سال 1950م قضیه مرکزی کشورهای عربی گردید. این قطعنامه تصریح نموده: «به رسمیت شناختن موجودیت رژیم یهود خطر مشترک بر همه‌ای سرزمین‌های عربی بوده و دفاع از فلسطین مکلفیت همه‌ای کشورهای عربی می‌باشد.» دولت‌های عربی در سال 1964م در اولین کنفرانس عادی‌سازی روابط‌شان با یهود در شهر قاهره، طی قطعنامه‌ای، سازمان آزادی بخش فلسطین را تأسیس نموده و در مواد 13 و 14 این قطعنامه تذکر داده اند که: «مکلفیت آزادسازی فلسطین بر همه دولت‌های عربی بوده مخصوص تنها فلسطین نمی‌باشد.»

اما چیزی نگذشت که از لحن این پیمان‌ها و قطعنامه‌ها کاسته شده و به تدریج بر روی آن‌ها خط فراموشی گذاشته شد و قضیه فلسطین که متعلق به همه‌ای عرب‌ها خوانده شده بود، به قضیه تنها فلسطین تبدیل گردید، چنان‌چه در کنفرانس رباط در سال 1974م اولین قطعنامه‌ای صادر شده که خالی از شعار آزادسازی فلسطین بوده و در آن چنین ذکر شده بود: «رهبری دولت‌های عربی تأکید دارند که آزادی تمامی خاک فلسطین و اقامه رژیم ملی مستقل، به رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین با این ویژه‌گی، که تنها این سازمان نماینده مشروع ملت فلسطین است، حق ملت فلسطین می‌باشد، به این ترتیب مکلفیت آزادسازی فلسطین به عنوان یک بحث، از پیمان نامه‌های کشورهای عربی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین حذف گردیده و در عوض جنگ و عملیات نظامی، هم در قطعنامه‌های کشورهای عربی و هم در پیمان سازمان آزادی‌بخش فلسطین صلح با دولت اشغالگر یهود به یک استراتژی جدید تبدیل شد. چنان‌چه قطعنامه‌ای عربی در سال 2002م در بیروت و نشست طهران در سال 2018م تصریح نموده: «صلح با یهود یک استراتژی بوده قطعنامه‌های بین‌المللی، مخصوصاً قطعنامه‌ای 242 اساس تمام امور صلح با یهود می‌باشد و هیچ مانع در تقسیم قدس میان یهود و فلسطین وجود ندارد.

قطعنامه‌های عربی و مجلس ملی بر امکان اجرای صلح با یهود، طبق قطعنامه‌های بین‌المللی در عوض اخراج‌شان از اراضی اشغالی سال 67 و برپائی دولت فلسطین اظهار نظر نمودند. اولین گام‌های خائنانه در کنفرانس مجلس ملی دایر شده در الجزایر در سال 1983م برداشته شد، چنان‌چه در قطعنامه آمده است: «پذیرفتن پالیسی قطعنامه‌های نشست فارس، اخراج رژیم یهود از اراضی اشغالی سال 1967م، بر پائی دولت مستقل فلسطینی، بازگشت پناهنده‌گان فلسطینی و صلح در بین دولت‌های عربی و رژیم یهود، حق ملت فلسطین است.» سپس جلسه شورای ملی در عمان در سال 1985م دایر شد که از مهم‌ترین تصمیمات آن پذیرفتن مقوله "خاک در مقابل صلح" و موافقت این سازمان بر دایر شدن کنفرانس بین‌المللی صلح که همه‌ای اطراف درگیر به شمول رژیم یهود در آن حضور داشته باشند، بوده است. هم‌چنان تذکر بر عدم حمایت تروریسم از طرف سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اصطلاح عدم حمایت از تروریسم می‌باشد، چیزی که اشاره بر عملیات نظامی بر ضد یهود می‌باشد و بعد از آن کنفرانس شورای ملی الجزائر در سال 1991م منعقد شد، کنفرانسی که پیش‌زمینه کنفرانس مادرید برای صلح بود که مهم‌ترین تصمیمات آن ضرورت برانعقاد کنفرانس مادرید بر اساس قطعنامه‌های 242 و 338 تحت شعار "خاک در مقابل صلح" بود.

بعد از آن دوره 21 برای شورای ملی در سال 1996 در شهر غزه آمد، شورای ملی‌ای که اکثر مواد پیمان ملی را ملغی ساخته و احترام به معاهدات صلح با دولت یهود را تأکید کرد و در توافقنامه‌های آن آمده است: «پایبندی سازمان آزادی‌بخش فلسطین به موافقتنامه‌های اوسلو 1 و موافقتنامه قاهره و نامه‌های به رسمیت شناختن روابط دو جانبه 9 و 10 ماه سپتمبر 1993م و توافقنامه اسرائیلی-فلسطینی در مورد کناره‌باختری و غزه اوسلو 2 که در واشنگتن در سال 1995م دایر شده لازمی است، موافقت‌نامه‌ای که پیمان اوسلو و تمامی ملحقات آن را تأیید نموده و به اساس آن کنفرانس صلح مادرید و مذاکرات واشنگتن برگزار گردید. از جمله قطعنامه‌های این نشست تعدیل پیمان ملی بر الغای موادی بود که با نامه‌های دوجانبه سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دولت یهود در تضاد قرار داشت و به تاریخ 9 و 10 ماه سپتمبر 1993م صادر شد و مجلس ملی فلسطینی را مکلف به اعاده متن پیمان ملی نموده و آن را به مجلس مرکزی در اولین اجتماع آن پیشکش نموده است.

این توافقات فقط در بین سازمان آزادی‌بخش فلسطینی و این صلح‌ننگین در پیمان اوسلو سال 1993م با دولت یهود پایان نیافته؛ بلکه به تعداد کثیری از نظام‌های عربی تجاوز کرد و روابط صلح نظامی، سیاسی، تجاری و غیره در بین شان به امضاء

رسید که بارزترین آن‌ها توافقنامه‌ای نظام مصر است که تحت نام معاهده صلح کمپ دیوید با دولت یهود در سال 1979م به امضاء رسید و در تعقیب آن روابط عادی‌سازی، تجاری و امنیتی به امضاء رسیده و سفارت دولت یهود در قاهره گشایش یافت. هم‌چنان نظام اردن به امضای معاهده وادی عربیه بعد از کنفرانس اسلو در سال 1994م اقدام نمود و این معاهده شامل موادی بود که عادی‌سازی و ایجاد روابط نماینده‌گی‌های سیاسی، تجاری و غیره را فراهم می‌ساخت.

به همین ترتیب موریتانیا سفارت یهود را در نواکشوت در سال 1994م افتتاح نموده و به دنبال آن امارات در سال‌های 2008 و 2009م همین روال را پیروی نمود. چنان‌چه وزارت خارجه امارات نماینده‌گی خود را به عنوان یک مرجع دیپلوماتیک از طریق خبرگزاری سازمان ملل (ایرنا) در دولت یهود اعلام نمود؛ وزارت خارجه‌ای که مقر آن در ابوظبی بوده است. هم‌چنان قطر در سال 1996م به امضای فروش گاز، ایجاد ذخیره گاز در تل ابیب و افتتاح دفتر تجاری یهود در دوحه اقدام نمود و در سال 1996م دولت یهود دفتر نماینده‌گی تجاری خود را جهت پیشرفت روابط اقتصادی، کاری و تجاری در عمان و در ماه نوامبر سال 1994م دفتر ارتباط را در پایتخت المغرب گشایش داد و بر عکس المغرب دفترش را در دولت یهود باز نموده که چهار ماه پس از آن مسدود شد و در سال 1996م دولت یهود دفتری را در تونس گشایش داد که تونس نیز عین عمل آن را در ماه می 1996م انجام داد؛ اما یهود دفتر آن را به سبب مخالفت‌های فلسطین مسدود کرد. اما ترکیه که از گذشته‌ها روابط کامل و همه‌جانبه با دولت یهود داشته که شامل روابط امنیتی، نظامی، دیپلوماتیک، تجارتی و غیره مسایل بوده که تا هنوز ادامه دارد.

یقیناً توطئه‌ها علیه فلسطین و مردم مسلمان این سرزمین مقدس، در موارد فوق خلاصه نشده، بلکه طمع یهود برین است که بر تمام سرزمین فلسطین تسلط پیدا کرده و بقیه ساکنین آن را اخراج و مهاجرین پناهنده فلسطینی را اجازه ندهند تا پس به کشورشان باز گردند. هم‌چنان جهان غرب در تلاش است تا به کمک توطئه حکام مسلمان فلسطین را به سوی نابودی برده و تحت نام "معامله قرن" دولت ضعیف فلسطین را در کنار ساحل سیناء بکشد و جلوگیری موقت تجاوز یهود بر فلسطین را مقدمه‌ای توطئه جدیدی در آینده بسازد. این توطئه به تدریج پیش‌برده شده تا سیناء را وطن مردم فلسطین قرار داده و بقیه ساکنین فلسطین را نیز به شکل تدریجی اخراج و به جای‌شان یهودیان را از اطراف جهان در خاک فلسطین جایگزین سازند.

این واقعیت برنامه و توطئه‌هایی است که غرب کافر آن را برای فلسطین، که سرزمین اسراء و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم است، در نظر دارد و آن هم اعمال و دسیسه‌هایی است که حکام مزدور مسلمان در قبال قضیه اقصی و مسلمانان مظلوم فلسطین انجام داده و می‌دهند. اما سؤال این است: آیا جهان غربی که در پی اخراج مسلمانان از فلسطین و بخشیدن آن به یهود است، در این تصمیم خبیثانه‌اش پیروز خواهد شد؟

برای جواب به این سؤال می‌گوئیم: مسلمانان در طول تاریخ فلسطین را بعد از فتح حضرت عمر فاروق رضی الله عنه، حفظ نموده و بیشتر از چند بار آن را از غصب صلیبی‌ها نجات دادند؛ در زمان مغول و بار دوم در زمان صلیبی‌ها و در آخر دوران خلافت، در حالی که خلافت در ضعیف‌ترین روزهایش قرار داشت. اما یهودیان از اعمال خبیثانه‌ای شان دست بر نداشته به رهبری حرکت صهیونیستی هر تسلسل به کرات تلاش کردند که حکام دولت عثمانی را به ثروت‌اندوزی‌های خود و تصفیه حسابات قروض دولت اسلامی مطمئع و فریب دهند، مخصوصاً در زمان سلطان عبدالحمید ثانی تا ازین طریق سرزمین فلسطین را به قوم یهود بسپارند؛ اما به فضل الله سبحانه و تعالی و همت بزرگ رادمردان آن زمان تلاش‌های شان به ناکامی انجامیده و دست خالی از سرزمین مقدس فلسطین بازگشتند.

بدون شک کفار با جایگزین نمودن یهود در سرزمین مقدس فلسطین، خدمت بزرگی برای پلان‌های استعماری شان در سرزمین‌های اسلامی نموده اند که در رأس این پلان‌ها؛ جلوگیری از احیای خلافت اسلامی و مشغول نمودن امت مسلمه به جنگ‌ها و پریشانی‌ها و تهدیدات از طرف دولت شریر یهود قرار دارد، اما آن‌ها نمی‌دانند که الله سبحانه و تعالی مکرشان را به خودشان بر می‌گرداند. از الله سبحانه و تعالی مسئلت داریم که خلافت راشده ثانی را برمنهج نبوت به زودی باز گردانده و ما را با آزادی مسجدالاقصی و سرزمین فلسطین و فتح روم، که بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم است، عزت بخشد.

برگرفته از جریده الرایه

نویسنده: حمد (طیب)

30 شعبان 1439 هـ.ق

16 می 2018 م